



نوشتن با دوربین (رودرو با ابراهیم گلستان)

پرویز جاهد

نشر اختران، ۱۳۸۴

تعیین مسیر سینمای ایران نقش تأثیرگذاری داشته‌اند به عنوان یکی از متدهای اصلی پروژه تحقیقاتی موردتوجه قرار داده است.

نگارنده در این گفت‌وگو تلاش کرده است زندگی و آثار گلستان را طی چهار دهه فعالیت ادبی و سینمای او از اوایل دهه بیست تا اوایل دهه پنجاه شمسی در زمینه‌هایی چون: دوران فعالیت، آشنایی با سینما، دوره اول قصه‌نویسی، دوره همکاری با کنسرسیوم و شرکت نفت، تأسیس استودیو گلستان و تهیه فیلم‌های مستند، ساخته شدن «خشت و آینه»، ادامه مستندسازی و قصه‌نویسی، ساخته شدن «اسرار گنج دره جنی»، مهاجرت به انگلستان موردتوجه قرار دهد.

اما آنچه در این گفت‌وگو برای پرویز جاهد اهمیت بیشتری داشته است، دوره فعالیت مستندسازی گلستان، تأسیس استودیو گلستان، همکاری با فروغ فرخزاد و تولید فیلم‌های داستانی و بلند «خشت و آینه» و «اسرار گنج دره جنی» و دریافت و درک دیدگاه‌های گلستان در زمینه‌های مربوط به واقع‌گرایی در ادبیات و سینما، استعاره و نماد در آثار او، حکومت و پروژه‌ی مدرنیسم در ایران، روشنفکران ایرانی و گفتمان غرب ستیزی، سینمای «موج نو» و سانسور بوده است. در این گفت‌وگو گلستان با کلام نافذ و تا حدی گزنده‌ی خود به نقد فضای روشنفکری، ادبی و سینمای ایران در دهه‌های سی و چهل پرداخته و با صراحتی کم‌نظیر، نگاهی ژرف و منحصر به فرد به داوری درباره‌ی بسیاری از چهره‌های شاخص روشنفکری، ادبی و هنری این دوران از هدایت گرفته تا شاملو، از خانلری تا یارشاطر، از آل احمد تا چوبک، از کیمیایی تا کیارستمی، از تقوایی تا شهید ثالث و آربی آوانسیان و فروغ فرخزاد نشسته است.

شیوه‌ی برخورد وی دعوتی است برای نقدی سالم، شفاف و فارغ از ملاحظه‌کاری، مصلحت‌اندیشی و یا پنهان‌کاری معمول و رایج در جامعه‌ی ما.

ابراهیم گلستان داستان‌نویس، منتقد، فیلم‌ساز و از چهره‌های روشنفکری ایران است. نقش هدایت‌گر او در ادبیات و سینما عامل اصلی تمایز او می‌باشد، کسی که با قصه‌ها، مقاله‌ها، ترجمه‌ها، مستندها و فیلم‌های بلندش تأثیری عمیق و انکارناپذیر بر نسلی از نویسندگان، فیلم‌سازان و روشنفکران ایرانی گذاشته است.

همان‌گونه که در مقدمه کتاب اشاره می‌شود، شاید بتوان نقش گلستان را در سینمای ایران با فیلم‌سازان مستقلی چون کن لوچ در سینمای انگلستان، جان کاسواتیس در سینمای امریکا و ژان روش در سینمای فرانسه مقایسه کرد؛ فیلم‌سازی که سینما برای آنها شأنی فراتر از سرگرمی و تجارت داشته است، چه در مستندها و چه فیلم‌های داستانی‌شان به ارزش‌های زیباشناختی و هنری آن اندیشیده‌اند و با آثارشان در ارتقای زبان سینمایی کوشیده‌اند.

گلستان در گفته‌ها و نوشته‌هایش به موقعیتی نگاه می‌کند که در آن فیلم‌های فارسی ساخته می‌شدند و افکار سازندگان، تماشاگران آنها و کسانی که درباره‌ی آن فیلم می‌نوشتند شکل می‌گرفت؛ موقعیتی که به گفته‌ی وی، فاصله‌ی بین میراث فرهنگی و شرایط زندگی جمعیت روبه‌گسترش عمیق‌تر می‌شد. به گفته‌ی وی فیلم‌سازان ایرانی در روزگاری یک نوع مونوپولی (انحصار) درست کرده بودند که امکان مستقل بودن را چه در زمینه‌ی ساخت فیلم و چه در زمینه‌ی نمایش آن کاهش می‌داد.

اثر حاضر حاصل یک گفت‌وگوی طولانی است در فاصله‌ی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۳. نگارنده در جهت پروژه‌ی دکتری خود درباره‌ی سینمای ایران، تحت عنوان «تاریخ تحلیلی ریشه‌های موج نو در سینمای ایران» به بررسی و تحلیل ریشه‌ها و خاستگاه‌های موج نو در سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۸ می‌پردازد. وی به لحاظ منابع تحقیقی و پژوهشی اندکی که درباره‌ی فیلم‌سازان نوآور وجود دارد، انجام گفت‌وگو با دو تن از فیلم‌سازی را که در متحول کردن و